

لینک نتیجه مشابهنه یابی:

تبیین تفاوت نسلی در جامعه امروز ایران بر پایه‌ی ارزش‌های هویتی

نوع مقاله: پژوهشی

* عباسعلی رهبر

E-mail: ab.rahbar@yahoo.com

** محمدباقر خرمشاد

E-mail: mb.khorranshad@gmail.com

*** علی آدمی

E-mail: aliadami@atu.ac.ir

**** علی والی

E-mail: ali.vali313@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۸

چکیده

نسل‌های مختلف یک جامعه، از سرمایه‌های بنیادی آن محسوب می‌شوند که حافظ و ناقل ارزش‌ها و انگاره‌های نسل‌های پیشین خود هستند؛ ارزش‌ها و انگاره‌هایی که در برخی موارد، هویت جمعی و زیست مشترک یک ملت را شکل می‌دهند. بنابراین، بررسی گوناگونی یا تفاوت در نوع تفسیر یا برداشت از این ارزش‌ها و انگاره‌های بنیادی از اهمیت فراوانی برخوردار است. در همین زمینه، تحقیق حاضر با روش تحلیل گفتمان پدیدارشناسانه به بررسی تفاوت نسلی در ایران پرداخته است. شاخص مورد مطالعه در پدیده‌ی تفاوت یا گسست نسلی، «تفاوت در تفسیر و برداشت از ارزش‌ها» است. از این‌رو، این تحقیق به این سؤال مقایسه‌ای می‌پردازد که در دریافت و تفسیر ارزش‌ها در دو طیف نسل جوان و نسل‌های گذشته، چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ نتایج نشان می‌دهد که مفاهیمی چون فردیت‌گرایی، مدرن‌گرایی، ذهنیت مقایسه‌گرا، عدم کاربست ابزارهای انتقال ارزشی کارآمد، رفتار فراغتی، لذت‌خواهی، استقلال‌طلبی و ناهمخوانی در خانواده از جمله مفاهیم هسته‌ای هستند که موجب پدید آمدن تفاوت در نگرش و تفسیر نسبت به ارزش‌ها در دو نسل جوان و بزرگسالان شده‌اند. همچنین، علاوه بر تفاوت‌ها، اشتراکات مفهومی نیز در میان این دو طیف نسلی مشاهده شده است که مهم‌ترین آن مرتبط به مفاهیم عدم رضایت (از وضعیت موجود) و نیز نفوذ رسانه‌های جمعی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. به‌عنوان توصیه‌های سیاستی، پیشنهاد می‌شود که با برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی راهبردی درباره‌ی وضعیت اقتصادی پیش‌روی جامعه ایران، از تبدیل تفاوت‌ها به تعارض پیشگیری شود.

کلید واژه‌ها: نسل، تفاوت، ارزش‌ها، جوانان، ایران.

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

** استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

*** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

**** دانشجوی دکتری اندیشه‌ی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده‌ی مسؤل

مقدمه

شکل‌گیری هویت جمعی مشترک و حتی فراتر، پیدایش یک نظام اجتماعی و سیاسی بر اساس وفاق و انسجام ارزش‌های موجود، از جمله مواردی است که مورد توجه نظریه‌پردازان حوزه‌ی سیاست و جامعه قرار گرفته است. لازمه‌ی تداوم و تعمیق وفاق و انسجام اجتماعی، ایجاد سازوکارهایی است که بتواند به صورت موفقیت‌آمیز و اقناع‌کننده‌ای، ارزش‌ها و انگاره‌های بنیادی را از یک نسل به نسل‌های بعدی انتقال دهد. بنابراین، مسأله‌ی ارزش‌های مشترک و قابل انتقال در نسل‌ها در سطوح مختلف به‌ویژه از منظر سیاسی از اهمیت شایانی برخوردار است. در همین زمینه، مهم‌ترین عنصر کیفی جمعیت که هویت سیاسی اجتماعی را در درون یک کشور متأثر می‌سازد، تفاوت نسلی جمعیت است. طیف‌های نسلی در هر جامعه با توجه به مقتضیات سنی خود، طبعی نوخواه و استقلال‌طلبی شخصی دارد و در هر مرحله از رشد و تکوین خویش در برابر منابع سنتی نظام باورها و رفتار اجتماعی نقش معترض را ایفا می‌کند. اعتقاد بر این است که جوانان در همه‌ی جوامع به نظم اجتماعی موجود کمتر متعهدند و بیشتر مستعد ایجاد تغییر و دگرگونی در این نظام هستند و در مقابل نسل بزرگسالان محافظه‌کارتر و محافظ نظم اجتماعی است و با منابع سنتی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی پیوند محکم‌تری دارد (لاور، ۱۳۹۳: ۸۹). شماری از اندیشمندان حوزه‌ی سیاست، معتقد هستند که در جوامع سنتی همبستگی و یکدستی فرهنگی و پیروی فرزندان از پدران معمولاً مانع پیدایش شکاف در نگرش نسل‌ها می‌شود و برعکس، در جامعه‌ای که دستخوش تحولات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای شده است، چنین شکافی محسوس‌تر است (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۰۱). برخی از نظریه‌پردازان از جمله مارگارت مید (۱۳۹۴: ۵۹) به یک تفاوت جهانی میان نسل‌ها اشاره می‌کنند و معتقد هستند که پیوستگی فرهنگی نسل‌ها در جامعه‌ی کنونی از میان رفته و نسل‌های مختلف به سبب رشد سریع اکتشاف علمی انقلابات فناورانه و توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات، امکان درک یکدیگر و گفت‌وگو با هم را از دست داده‌اند. او معتقد است که شکاف نسل‌ها جهانی است و تنها بیگانگی جوان مطرح نیست بلکه، به همان اندازه، به بیگانگی بزرگسالان نیز منجر شده است. در این‌که تفاوت‌های ارزشی میان دو نسل جوان و بزرگسال وجود دارد، تردیدی نیست؛ بحث اصلی بر سر این است که دو نسل جوان و بزرگسال در چه ارزش‌هایی بیشتر از همه فاصله می‌گیرند و مهم‌تر از آن،

این‌که آیا اولویت‌ها و ترجیحات ارزشی دو نسل یعنی فرزند والدین، بیش از حد معمول متفاوت و جدا از هم هستند؟ آیا بین دو نسل نوعی شکاف ارزشی عادت شده است یا باید از پیوستگی ارزشی سخن گفت؟ (جلیلی، ۱۳۹۷: ۶۳). با توجه به اهمیت انتقال ارزش‌های بنیادی اسلامی - ایرانی به نسل‌های بعدی و زمینه‌سازی بسترهای هویتی و فرهنگی در ساختار سیاسی کشور، پرداختن به مسأله‌ی تفاوت‌ها و گسست‌ها در نسل‌های مختلف اهمیت فراوانی دارد. به همین منظور، پژوهش حاضر با هدف بررسی تفاوت نسلی در ایران، به بررسی شرایط زمینه‌ای، مداخله‌ها و علت‌های تفاوت در تفسیر ارزش‌ها میان دو طیف نسلی جوانان و بزرگسالان پرداخته است.

چارچوب نظری پژوهش

۱- نظریه‌های تفاوت نسل‌ها

مجموعه‌ی فراوانی از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها درباره‌ی تفاوت نسل‌ها وجود دارد که نظریه‌پردازان رشته‌های مختلف به آن پرداخته‌اند. از میان مجموعه نظریه‌هایی که با پژوهش حاضر، پیوند منطقی‌تری دارد، می‌توان به هشت نظریه به شرح زیر اشاره کرد.

۱-۱- نظریه‌ی ساختاری - تاریخی کارل مانهایم

کارل مانهایم جامعه‌شناس مجاری (۱۹۴۷-۱۸۹۳) که از وی به‌عنوان آغازگر مباحث نظری پیرامون نسل نام برده می‌شود، نسل را شامل افرادی می‌داند که موقعیت مشترکی در فرایند تاریخی و اجتماعی دارند و آنها را به یک شیوه تفکر و تجربه خاص و یک نوع کنش تاریخی ویژه این موقعیت متمایل می‌کند (رحیمی، ۱۳۹۰: ۳۴). مانهایم بیشتر به تجربه نسلی تکیه می‌کند و معتقد است که هر نسلی تجربیات متفاوت از نسل پیش از خود را دارد (مانند کسانی که متعلق به یک دوره‌ی جنگی هستند) که هر چند در طبقات مختلف هستند و آگاهی‌های مختلفی دارند اما رویکرد و موضع‌گیری مشترکی دارند که از تجربه مشترک آن نسل حاصل می‌شود. وی بین همزیست‌ها (آنهايي که در یک زمان زندگی می‌کنند) و هم‌زمان‌ها (آنهايي که هم سن هستند) تمایز قائل می‌شود. هم‌زمان‌ها، چیزی که او از آن تحت عنوان واحد نسلی یاد می‌کند، ویژگی‌های زیر را دارند:

۱- محلی مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی دارند. این موقعیت تعیین‌کننده‌ی حوزه‌ی کسب تجربه ممکن با توجه به شرایط است، مثلاً یک گروه سنی از افراد که دوره یک جنگ را سپری می‌کنند.

۲- سرنوشت و علقه مشترک یا واحد براساس تجربه مشترک دارند.

۳- هویتی واحد براساس تجربه مشترک دارند (مانهایم، ۱۳۹۵: ۷۹).

۲-۱- نظریه‌ی گذار گنورگ زیمل

در جوامع پیشین خانواده نقش آموزش را برعهده داشت، اما در جوامع امروزی به دلیل دگرگونی‌های اجتماعی، نهاد آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی انتقال ارزش‌ها و هنجارها را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۱۸۲). به عقیده زیمل، زمانی که عضویت در یک یا چند حلقه اجتماعی جای خود را به یک جایگاه اجتماعی در شبکه‌ای از حلقه‌های گوناگون اجتماعی دهد، شخصیت فرد دگرگون می‌شود. در این حالت شخصیت فرد از طریق اشتراک در حلقه‌های گوناگون، به شدت انشعاب پیدا می‌کند. برای مثال در جوامع پیشین، وابستگی مکانی یا خویشاوندی تعیین‌کننده‌ی تعلق مذهبی بود و یک فرد نمی‌توانست با افرادی هم‌زیستی کند که در اصول و عقاید مذهبی با او اشتراک نداشتند؛ زیرا اشتراک مذهبی با اشتراک محلی یا خویشاوندی منطبق بود. برعکس در جهان نوین این‌گونه تعلق‌ها جدا از همدیگرند و انفراد بیشتر است (به نقل از کوزر، ۱۳۹۳: ۲۶۵).

۳-۱- نظریه‌ی ساختاری - کارکردی تالکوت پارسونز

پارسونز پدیده تفاوت نسلی را در مجموعه نظریه کنشی خود به‌صورت غیرمستقیم بررسی کرده است. براساس نظریه وی در عملی که از فرد سرمی‌زند و او آن را کنش می‌نامد، سه عنصر شامل نظام فرهنگی، نظام رفتاری نظام شخصیتی وجود دارد. این سه نظام محیط‌های درون کنشی نظام اجتماعی هستند. خاصیت کنش، معنی‌داری و ارادی بودن آن است و جنبه‌ای نظام مند ندارد. این کنش ابعادی انسانی و اجتماعی دارد. اولین مرجع کنش فرد، نظام رفتاری است که درواقع رابطه بین انسان و محیط است که از طریق حواس صورت می‌پذیرد. در این قسمت انسان با حیوان مشترک است و کارکرد این نظام، ایجاد وضعیتی مناسب برای انطباق با محیط است. این انطباق در حیوانات با تغییر ارگانیک همراه است، حال این‌که در انسان‌ها به یک روند اجتماعی تبدیل می‌شود و بعد فرهنگی می‌یابد و برتر از رفتار، تبدیل به کنشی معنی‌دار می‌گردد. در نظر پارسونز نظام فرهنگی سه جزء دارد: باورها، عقاید و هنجارها (ستار، ۱۳۸۸: ۲۵۶). این اجزاء در طول گذشت زمان در جامعه شکل می‌گیرد و از نسلی به نسل دیگر می‌رسند. درواقع ارگانیک در فرایند تعامل با نظام فرهنگی، بخشی از موارد سه‌گانه

فوق را در نظر گرفته و آنان را درونی می‌کند. به این اعتبار، شخصیت آدمی که در آن مجموعه‌ای از عقاید، باورها، اندیشه‌ها و هنجارها وجود دارد محصول رابطه ارگانیک با نظام فرهنگی است (رحیمی، ۱۳۹۰: ۴۹).

۱-۴- تئوری تکامل روابط بین نسلی کلمن

جیمز کلمن (۱۹۹۵-۱۹۲۶) معتقد است که در جامعه روستایی - دهقانی، جوانان جذب اقتصاد روستایی می‌شدند و کودکان نیز به لحاظ جایگاه بالقوه خود به‌عنوان کارگران خانوار مد نظر قرار می‌گرفتند. در مرحله دوم، دستمزدهای تبادلی خانوادگی برای کالاهای مصرفی در یک اقتصاد صنعتی تخصیص می‌یافت. در این مرحله، کودک دیگر به‌عنوان یک کارگر تلقی نمی‌شود و خانواده به تدریج کودک را به مثابه سرمایه‌گذاری برای آینده و منبعی دراز مدت از تحرک اجتماعی در نظر می‌گیرد. انگیزه قوی برای سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش کودک وجود دارد. این وضع در مورد خانواده‌های طبقه متوسط شهری و جدیداً در حال تحرک اجتماعی صعودی، صادق است. مرحله سوم، یعنی جامعه پسا صنعتی مرحله‌ای است که طی آن خانواده‌ها اطمینان ندارند که آیا آموزش منجر به یک شغل بهتر خواهد شد یا خیر؟ کارکردهای اقتصادی و اجتماعی خانواده به سایر نهادها واگذار می‌شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۱).

۱-۵- نظریه‌ی جهان اجتماعی پیر بوردیو

بوردیو، چالش‌های بین نسلی را همانند سایر تعارضات اجتماعی، مستقل از طبقه و نظام قشر بندی اجتماعی یا به تعبیر او نظام‌های سلطه و نابرابری در عرصه‌های مختلف، نمی‌داند و در چهارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی به تحلیل روابط و تعارضات نسلی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فکری و فرهنگی می‌پردازد (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۶). به عقیده وی در شرایط کنونی، تفاوت میان نسل‌ها، تفاوتی افقی بوده و در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از نهادی و غیر نهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض میان افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است. به نظر وی، جوان و پیر نه یک امر عینی و واقعی، بلکه یک ساختار اجتماعی هستند که در نتیجه مبارزه بین پیر و جوان در میدان‌های مختلف اجتماعی به وجود می‌آید. یعنی آنچه زمانی برای والدین امتیازی خارق‌العاده به حساب می‌آمد، امروزه برای فرزندان با توجه به آمار، امری پیش پا افتاده است (بوردیو، ۱۳۸۸: ۹۸).

۱-۶- نظریه‌ی تحول ارزشی رونالد اینگلهارت

اینگلهارت بر این اعتقاد بود که نسل بزرگسال در برابر تغییرات بیشتر مقاومت می‌کند و تغییر در میان گروه‌های جوان‌تر با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. بنابراین با تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی تفاوت بین نسلی پدید می‌آید که از آن، گاه به تعارض یا تفاوت بین نسلی نیز تعبیر می‌شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). در نظریه اینگلهارت، مفهوم کانونی مدرنیزاسیون این است که صنعتی شدن مجموعه‌ای از نتایج اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد که موجب افزایش سطح تحصیلات و تغییر نقش‌های نسلی می‌شود (خالقی‌فر، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۳).

۱-۷- نظریه‌ی سنت و تجدید آنتونی گیدنز

گیدنز، تعریف خاصی از نسل ارائه داده است. وی نسل را همچون هم‌دوره‌ای‌های اجتماعی که در طول زمان ترسیم شده‌اند، در نظر می‌گیرد (آزادارمکی، ۱۳۹۶: ۳۰). از این رو، تفاوت نسلی یعنی نسل حاضر با نسل دیروز از نظر آرمان‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و باورداشت‌ها، اعتقادات، سبک زندگی و غیره با هم متفاوتند. گیدنز منشأ دگرگونی فرهنگی را تضاد بین سنت و مدرنیته و به تبع تقابل بین اختیار و خطرپذیری می‌بیند. به عقیده وی ویژگی مدرنیته «پویایی»، «تأثیر جهان‌گستر»، و «تغییر دائمی رسوم سنتی» است. مدرنیته سبب می‌شود که افراد هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که معمولاً سنت در اختیار آنها قرار می‌دهد رها شوند. بدین ترتیب فرد در مقابل طیف متنوعی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۹۲: ۶۵). به نظر گیدنز اختلاف بین نسل‌ها در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. هر نسلی در واقع نوعی به حساب آوردن تیره‌ای از آدمیان است که زندگی فردی را در مقطعی از زندگی‌های گروهی جای می‌دهد (گیدنز، ۱۳۹۷: ۲۰۷). در اندیشه‌ی گیدنز، سه عنصر اساسی در ارتباط با نسل مطرح شده است (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۳۲): اول این‌که او به عنصر زمان توجه خاصی دارد؛ دوم این‌که او جامعه را بسیار سیال و پیچیده می‌داند و این سنت‌های نوظهور جامعه، اجازه اخذ سنت‌های گذشته را نمی‌دهد و سوم این‌که او همواره بر ارزش‌های رهایی بخش به منظور رها شدن از گذشته برای انتخاب شیوه‌های فعالانه‌تر و مدرن‌تر تأکید دارد.

۱-۸- نظریه‌ی مقیاس ارزش‌های ورنل بنگستون

به نظر بنگستون، سه دیدگاه عمده درباره‌ی تفاوت یا گسست نسلی وجود دارد:

الف) کسانی که معتقد به تفاوت عمیق نسلی هستند؛ ب) کسانی که وجود تفاوت عمیق نسلی را یک توهم و خیال می‌دانند که به غلط از سوی رسانه‌های جمعی به مردم تحمیل شده است و ج) کسانی که به پیوستگی و تفاوت انتخابی بین نسل‌ها معتقد هستند (تیموری، ۱۳۹۷: ۱۱). منتقدان به رویکرد اول که از وجود شکاف بزرگ حمایت می‌کنند، بیان می‌دارند که این شکاف بین جوانان و بزرگسالان در حال گسترش است. براساس این دیدگاه، فرهنگ جوانی از فرهنگ مسلط بزرگسالان که بر مبنای پذیرش ارزش‌های رایج است، جدا شده و در مخالفت با آن قرار گرفته است. دیدگاهی که در مقابل دیدگاه اول قرار دارد، وجود شکاف را توهم می‌داند. براساس این دیدگاه، ارزش‌های جوانان بی‌شبهت با ارزش‌های بزرگسالان نیست. اگرچه به نظر می‌رسد، جوانان ارزش‌های اجتماعی دیگری در مقایسه با بزرگسالان دارند اما این شکاف تماماً ربطی به پذیرش ارزش‌های متفاوت در میان جوانان ندارد. از این منظر، چالش اصلی بین نسل‌ها، ناشی از وسایل به کار گرفته شده برای تحقق ارزش‌های پذیرفته شده و مشابه با ارزش‌های بزرگسالان است و نه پذیرش ارزش‌های متفاوت با آنان (یان، ۱۳۹۷: ۶۰). بنگستون که خود از طرفداران نگاه سوم به تفاوت نسل‌ها است، ارزش‌هایی که مبنای تفاوت و گسست میان نسل‌ها قرار می‌گیرند را حاصل سه سطح یا مقیاس اجتماعی می‌داند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۴):

در سطح اول، رشد کودک تحت تأثیر رویکردهایی است که از فرهنگ، جامعه و خانواده‌اش می‌پذیرد و فعالیت اجتماعی ساختاری است که کودک از آن رفتارها، باورها، معیارها و ارزش‌هایش را کسب می‌کند.

در سطح دوم، پذیرش ارزش‌ها و معیارهای والدین از سوی فرزندان به مقدار گرمی و محبتی بستگی دارد که کودک در ارتباط با آنها از آن بهره‌مند می‌شود، در خانواده‌ای که در آن کودک روابط صمیمانه‌ای را تجربه کرده است، علاقه‌مند به حفظ این رابطه و نگران از دست دادن آن است. سرانجام این‌که در سطح سوم، والدین در طبقات اجتماعی اقتصادی خاص ارزش‌های خاصی را به فرزندانشان انتقال می‌دهند. افراد طبقات متوسط در ارزش‌هایشان به رویکرد درونی توجه دارند و بیشتر از روش نصیحت و راهنمایی استفاده می‌کنند، برعکس، طبقات پایین از روش خشک (تنبیه) استفاده می‌کنند. به اعتقاد وی جنسیت عاملی در توجه کم یا زیاد به ارزش خاصی

است. در این نظریه، آنچه اهمیت دارد، شناسایی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در بررسی پدیده‌ی تفاوت یا تفاوت نسل‌ها است. در واقع، از نظر بنگستون، تغییر سطح ارزش‌ها از جوانان به طیف‌های سنی بالاتر و متفاوت‌تر، موجب تفسیرهای متفاوت از آن ارزش‌ها می‌شود. چارچوب نظری این پژوهش نیز براساس نظریه‌ی بنگستون قرار دارد و در آن کوشش شده است تا شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در تفسیرهای متفاوت جوانان و طیف‌های سنی بالاتر (نسل پسا جوان) از ارزش‌ها شناسایی شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، یک پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی بر «تفسیرپذیری»، «موردی بودن» و «ذهنی - شهودی بودن» گزاره‌ها تأکید دارد و به جای استفاده‌ی صرف از روش‌های کمی به روش‌های کیفی و تفسیری می‌پردازد (کشتی‌آرای، ۱۳۸۷: ۹۲). با اقتباس از این نظریه و ترکیب نظریات موجود درباره‌ی هویت ملی، این پژوهش با رویکرد پدیدارشناسی درباره‌ی هویت ملی انجام شده است. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌استاندارد (نیمه‌ساختاریافته) انجام شده است (هومن، ۱۳۸۵: ۱۱۴). از میان روش‌های پدیدارشناسانه، این پژوهش بر پایه‌ی «روش‌شناسی کیو» انجام گرفته است. روش‌شناسی کیو ابزاری توانا برای درک ارزش‌ها، نگرانی‌ها و دیدگاه‌های فرد است که پایه‌ی آن تحلیل آماری است تا ذهنیت افراد را کشف کند و الگوها و اشتراک نظرها را آشکار سازد و بر پایه این الگوها افرادی که رفتاری مشترک دارند را شناسایی کرده و ساختاری برای ذهنیت کشف نشده آنها ارائه کند (احمدیان و اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). تفاوت اصلی روش کیو با سایر روش‌های تحقیق در علوم انسانی در این است که در این روش به جای متغیرها، افراد تحلیل می‌شوند و از تحلیل افراد، شاخص‌ها و زیرشاخص‌هایی به دست می‌آید (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳). در پژوهش جاری از فرآیندی ۵ مرحله‌ای به شرح زیر استفاده شده است که در ادامه، این مراحل تعریف شده و انجام آنها در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد (احمدیان و اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲۱؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹):

الف) ساخت مجموعه گزاره‌های کیو: برای شروع باید مجموعه‌ای از اعتقادات و دیدگاه‌های گوناگونی که درباره‌ی موضوع پژوهش در جامعه مورد مطالعه وجود دارد گردآوری شود. این مجموعه «فضای گفتمان» نامیده شده و از منابع گوناگون مانند

مصاحبه، تحلیل محتوا یا تحقیقات قبلی، مراجعه به روزنامه‌ها یا اخبار رسانه‌های گوناگون و حتی عکس، فیلم و قطعات موسیقی که درخصوص موضوع پژوهش وجود داشته باشد، قابل دستیابی است (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۳).

ب) انتخاب مشارکت‌کنندگان: پژوهش‌های انجام شده براساس روش کیو، برای نمونه‌گیری از دنیای افکار و ذهنیت افراد طراحی شده است. بنابراین نمونه‌های آماری کوچک و گلچین شده انتخاب خواهند شد (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶: ۳۳) و گوناگونی افراد مهم‌تر از تعداد آنها است. در مورد تعداد مشارکت‌کنندگان نیز ۲۰ تا ۵۰ نفر را برای یک پژوهش دسته‌بندی کیو کافی می‌دانند (تن کلستر و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۹).

ج) گردآوری داده‌ها: در این مرحله مشارکت‌کنندگان مجموعه گزاره‌های کیو را با روش توزیع اجباری مرتب می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹).

د) کدگذاری مجدد و محوری: در این بخش، دوباره عملیات کدگذاری محوری انجام شده و همه‌ی مقوله‌ها به‌طورکلی در قالب سه ستون اصلی شامل مقوله‌های شرايطی، تعاملی و پیامدی طبقه‌بندی می‌شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱).

پژوهش حاضر، متشکل از ۵۰ نمونه‌ی آماری است که براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی سیستماتیک از میان دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی) علوم سیاسی در سه دانشگاه تهران، تربیت مدرس و علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۷ انتخاب شده‌اند. آمار توصیفی ۵۰ نفر مشارکت‌کننده به لحاظ جنس، سن، محل زندگی و شغل در جدول ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: آمار توصیفی مشارکت‌کنندگان

جنس	تعداد	سن	تعداد	محل زندگی	تعداد	شغل	تعداد
زن	۲۵	۲۵ تا ۵۰	۲۵	تهران	۴۰	آزاد و دولتی	۵
مرد	۲۵	۲۵ تا ۵۰	۲۵	سایر	۱۰	دانشجو (بیکار)	۴۵

یافته‌ها و تحلیل

۱- مقوله‌ی اول: گسست نسلی در دریافت ارزش‌ها در جوانان

برای دریافت گسست نسلی در حوزه ارزش‌ها، نخست مفاهیم بنیادی و رایج در ارزش‌های جوانان از منظر پاسخگویان و خبرگان شناسایی شدند. پس از مرحله‌ی نخست کدگذاری باز، در مرحله‌ی دوم، مفاهیم هم‌پایه و هم‌زمینه از نظر دلالت معنایی

در قالب مقوله‌ی عمده طبقه‌بندی شد. در جدول ۲، هر یک از مقوله‌های عمده به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند.

جدول شماره ۲: مقوله‌های عمده‌ی مستخرج در ارتباط با دریافت ارزش‌ها در نسل جوان

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم
۱	فشار هنجارهای سنت	دو قطبی دیدن جهان به مثابه خیر و شر دائمی، عدم قرابت ارزش‌های تاریخی با ارزش‌های مدرن، سبک زندگی و اندیشه‌ی نامتقارن
۲	ناهمخوانی فکری در اعضای یک خانواده	تفاوت فکری میان پدر و مادر با فرزندان، الگوناپذیری فرزندان از والدین، شکسته شدن خانواده‌ی هسته‌ای و تشکیل خانواده‌های انفرادی، فردیت‌گرایی افسارگسیخته
۳	مقایسه‌گرایی	پیدایش ذهنیت مقایسه‌گرا، مقایسه‌ی سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و شهری
۴	رسانه‌های جمعی	همه‌گیر شدن ماهواره، تنوع برنامه‌های تلویزیون، کفایت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به جای ملاقات رو در رو
۵	استقلال‌طلبی	داشتن حق انتخاب در شریک زندگی، استقلال مالی، استقلال در تصمیم‌گیری، اعتقاد به انتخاب آزاد، رهایی از سنت، متکی‌به‌خود، انتخاب محل زندگی، منفعت‌طلب بودن افراد، تصمیم شخصی، فردیت‌گرایی.
۶	مادی‌گرایی	درگیری مادی، رقابت مالی، طمع، مقایسه، توجه به مسائل اقتصادی
۷	رفتار فراغتی	خوش‌گذرانی، رفیق‌بازی، رفع نیاز با دوست‌دختر، احساس نیاز داشتن به اوقات فراغت، موتورسواری، تماشای ماهواره، پرسه زنی، تلگرام و اینستاگرام
۸	مدرن‌گرایی	پوشیدن لباس‌های جدید و به‌روز، میل به رفاه بیشتر، تجربه فعالیت‌های نو، تقلید از دیگران، نپذیرفتن را و روش سنتی، دستیابی به سود
۹	رقابت‌جویی	طمع‌ورزی، حسود بودن، زیاده‌خواهی، برتری‌جویی، جمع‌ورزی، میل به برنده شدن
۱۰	احساس نارضایتی	ابراز تأسف، بی‌توجهی دولت، خانواده بی‌اهمیت، کاهش رفاه، احساس تنفر

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که در این مرحله ۱۰ مقوله استخراج شده‌اند. در مرحله‌ی دوم کدگذاری، یعنی کدگذاری محوری به شرح هر یک از مقوله‌های فوق با ارجاع به گفته‌های افراد مورد مصاحبه و ارتباط بین آنها پرداخته می‌شود.

فشار هنجارهای سنت

سنت به مثابه یک مفهوم انتزاعی و پیچیده، نقش مهمی در زیست اجتماعی و فرهنگی و چه بسا سیاسی جوانان دارد. تصویر تولید شده از سنت در ذهنیت (سوپرکتیویته) جوانان، نوعی تفاوت کارکردی و مصداقی با نسل‌های بالاتر دارد. هنجارهای سنتی به وسیله‌ی فرد یا افرادی وضع نشده، بلکه به خودی خود و به صورت تدریجی از اتفاقات روزمره‌ی زندگی سرچشمه گرفته و خاستگاهی جز کل جامعه ندارند. این هنجارها جزئی از فرهنگ عامه (فولکلور) هستند که آنها را با عنوان سنت‌ها، رسم‌ها و آداب و رسوم می‌شناسیم. زمانی که یک الگوی رفتاری خاصی بین گروه معینی رایج شود، اعضای گروه ناچار به تبعیت از آن می‌شوند. با توجه به این مقوله از دید جوانان دانشجوی، مجموعه‌ای از هنجارهای سخت و پاگیر سنتی وجود دارند که فرد ناگزیر از اطاعت آنها است (فلاحی‌شاه‌آباد، ۱۳۹۳: ۷۲). این هنجارها به‌طور سنتی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و مدام بر تعداد آنان افزوده می‌شود. بر همین اساس، جوانان دانشجوی معتقدند که هنجارهای سنتی از مکان تاریخی خود خارج شده است و در عصر حاضر، نوعی عدم قرابت و ناهمخوانی را با خود به همراه دارد.

ناهمخوانی خانوادها

بر اساس مقوله‌ی یاد شده، تعریف مفهومی خانواده تغییر کرده است و به سختی می‌توان قرابتی میان مصادیق خانواده در نسل‌های بالاتر با نسل جوان پیدا کرد. از جمله این‌که در خانواده نسل فعلی، فردیت‌گرایی بر جمع‌گرایی به شیوه‌ی سنتی آن غلبه دارد و خانواده‌ها به جای برخوردار از هسته‌های متمرکز و هویت‌بخش، به چندپارگی دچار شده‌اند. در چنین ساختاری، دیگر پدر به‌عنوان مدیر و ناظم خانواده عمل نمی‌کند و الگوهای رفتاری را به فرزندان نمی‌آموزد. بلکه، مجموعه‌ای از شبکه‌ها و جریان‌های واقعی و مجازی به هویت فرزندان شکل می‌دهند.

مقایسه‌گرایی

بر اساس این مقوله، ارزش‌های جوانان تا حدی ناشی از مقایسه‌ی جوانان این منطقه با سایر نواحی، شهرها یا خارج از شهرستان محل زندگی و با یکدیگر بوده است. پیدایش ذهنیت مقایسه‌گرا به‌ویژه با حجم انبوه اطلاعاتی که فضای مجازی در اختیار جوانان قرار می‌دهد، شبکه‌ای از مقایسه‌های مختلف را در ذهن آنان بازتولید می‌کند. ابعاد و شاخص‌های این مقایسه از مقایسه‌ی وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و

زیست محیطی کشور با کشورهای دیگر تا مقایسه‌ی طبقات مختلف اجتماعی متغیر است. بسته به این که جوانان چه پایگاه اقتصادی دارند، مقایسه‌های آنها متفاوت است. جوانان برخوردار از پایگاه‌های اقتصادی مناسب، عموماً به مقایسه‌های برون مرزی (مقایسه‌ی وضعیت کشور با کشورهای غربی) و جوانان کمتر برخوردار نیز عموماً به مقایسه‌های درون شهری (زندگی لاکچری طبقات مرفه) اقدام می‌کنند.

رسانه‌های ارتباط جمعی

از نظر جوانان مورد مطالعه، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی بر میزان دانش و قدرت تحلیل اجتماعی آنها افزود است. در چنین ساختاری، الگوها و ارزش‌ها، الزاماً از سوی نسل‌های بالاتر و یا نهادهای سنتی انتقال نمی‌یابند، بلکه جوانان با مجموعه‌ای از ارزش‌های انتقال یافته از رسانه‌های ارتباط جمعی و نیز با تکیه بر خوی فردیت‌گرایی به تولید مجموعه‌ی در هم تنیده و متغیری از جهان‌بینی‌ها دست می‌زنند و هویت خود را در چارچوب این جهان‌بینی‌ها به تصویر می‌کشند.

استقلال طلبی

جوانان، عنوان می‌کنند که امروزه در اکثر تصمیم‌گیری‌های شخصی نظر و دیدگاه بزرگان را نادیده می‌گیرند. از دید آنها در گذشته افراد از هر لحاظ قدرت انتخاب و اختیار نداشته‌اند. از دید جوانان نظام سنتی و خویشاوندی گذشته باعث شده بود که مردم قدیم از هر لحاظ قدرت انتخاب و اختیار نداشته باشند. در صورتی که در دوره‌ی کنونی جوانان به دنبال تحقق اهداف و فعالیت‌های خود می‌باشند. از دیگر پیامدهای رسانه‌های جمعی، ترویج فرهنگ دنیاگرایی است که امروزه بیشتر جوانان را به خود جلب کرده است.

مادی‌گرایی

از دید بسیاری از جوانان مورد مطالعه، یکی از عوامل مهم در زندگی آنان توجه فزاینده به امکانات مادی و دنیوی است. آنان معتقدند که با توجه به تغییر در زندگی کنونی و نیازهای فزاینده‌ی اقتصادی، تفکرات دنیوی به‌طور روزافزونی گسترش پیدا کرده و توجه بیش اندازه به مسائل و نیازهای اقتصادی دنیوی پایه و اساس زندگی را تشکیل داده است.

رفتار فراغتی

براساس مقوله‌ی فوق، جوانان تمایل به رفتارهای فراغتی و تفریحی دارند. رفتار

فراغتی جوانان امروزی بیشتر مبتنی بر الگوهای جدید زندگی است. در این دوره رفتارهای فراغتی مذهبی و سنتی کمتر در نظر گرفته شده و فراغت بیشتر حالت فردی دارد. این گونه رفتارهای فراغتی در دوره مدرن، بسیار پرهزینه و مخرب است. در واقع می توان گفت رفتار فراغتی جوانان امروزه با فعل پذیری توأم است و بیشتر فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که تأثیر چندانی در آینده فرد ندارند و فرد برای گریز از فشارهای روحی و روانی به آنها رجوع می‌کند؛ به طوری که در مصاحبه‌های خود مکرر اظهار می‌کردند که بیشتر تمایل به تماشای ماهواره، رفیق‌بازی، دنبال دوست‌دختر و پرسه‌زنی دارند.

تمایل به مدرن شدن

بر اساس مقوله‌ی فوق با توجه به ورود ماهواره و رسانه‌های ارتباطی دیگر مانند تلگرام و اینستاگرام، جوانان مورد مطالعه با الگو قرار دادن سبک‌های تبلیغی گرایش به تحول مداوم و تنوع‌پذیری دارند. سبک زندگی در این شیوه، بیشتر مصرف‌گرا و لذت‌جویانه است و تمایل کمتری به آفرینش‌گری و معناگرایی دارد.

رقابت‌جویی

رقابت از نظر جوانان مورد مطالعه، نوعی احساس رقابت و نیاز به داشتن آن چیزی‌هایی است که دیگران دارند. با توجه به تغییرات اقتصادی در کشور، از نظر جوانان مورد مطالعه، مجموعه‌ای از افراد از نظر مالی و سایر امکانات بر دیگران برتری داشته و باعث ایجاد رقابت در بین افراد دیگر شده‌اند. جوانان مورد مطالعه بر این باورند که در نسل‌های گذشته نوعی زیست مشترک و مشابه وجود داشته است. با این وجود، امروزه زیست فردی و جمعی بسیار متنوع و پیچیده شده است و نوعی نابرابری هم در این نوع زیست دیده می‌شود؛ این امر باعث احساس رقابت و چشم‌وهم‌چشمی در بین آنان شده است. جوانان این احساس رقابت را عاملی در جهت افزایش بهبود اقتصادی خود می‌دانند. این عوامل باعث می‌شود که جوانان نسبت به وضعیت موجود جامعه خود ابراز نارضایتی داشته باشند.

عدم رضایت

جوانان مورد مطالعه نسبت به وضعیت موجود احساس نارضایتی می‌کنند. آنان شرایط نابرابر مذکور را درک و ارزیابی کرده و بر تغییر وضعیت موجود نسبت به گذشته دارند. فقدان عدالت، نخستین مسأله و مفهوم بزرگ در این زمینه است که تفسیر و تحلیل جوانان را به خود اختصاص داده است. وضعیت نابسامان اشتغال، تورم

فزاینده، گرانی کالاها و احساس ناامنی مداوم، مفاهیم مهم مرتبط با عدم رضایت است. با توجه به مفاهیم به دست آمده از ارزش‌های جوانان، مقوله‌های عمده‌ی تحقیق در قالب کدگذاری محوری مورد بررسی قرار گرفتند و سپس در مرحله‌ی بعدی کدگذاری، یعنی کدگذاری گزینشی مقوله هسته انتخاب و به شرح آن پرداخته می‌شود. مقوله هسته انتخابی در بخش «ارزش‌های رفاه‌طلب» انتخاب شده است. با توجه به این مقوله می‌توان گفت که مفهوم یا مقوله‌ی ارزش‌های رفاه‌طلب مفهومی است که می‌تواند همه‌ی سؤال‌ها و مباحث فوق را پوشش داده و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. برای پاسخ به این سؤال که جوانان ارزش‌های خود را چگونه درک و تفسیر می‌کنند، ارزش‌های جوانان به سوی ارزش‌های رفاهی سوق یافته است.

جدول شماره ۳: مقوله‌های عمده و مقوله هسته ارزش‌های جوانان

ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله هسته
۱	رقابت جویی	
۲	رسانه‌های ارتباط جمعی	
۳	ناهم‌خوانی خانواده‌ها	
۴	روحیه نوگرایی	
۵	مقایسه‌گرایی	ارزش‌های رفاه‌طلب
۶	احساس نارضایتی	
۷	مادی‌گرایی	
۸	رفتار فراغتی	
۹	استقلال‌طلبی	
۱۰	افزایش فردیت مدرن	

همان‌گونه که در جدول ۳ دیده می‌شود، ارزش‌های رفاه‌طلب به‌عنوان مقوله هسته انتخاب شده است. ارزش رفاه‌طلبی در بین جوانان مورد مطالعه متأثر از مجموعه‌ای شرایط و بسترها است. این شرایط و بسترها از نظر جوانان مورد مطالعه عبارت بودند از: رقابت‌جویی، افزایش فردگرایی، تمایل به مدرن شدن، رسانه‌های ارتباط جمعی، مقایسه‌گرایی، ناهم‌خوانی خانواده‌ها، مادی‌گرایی، خوداتکایی، رفتار فراغتی، مصرف‌گرایی و عدم رضایت است.

۲- مقوله‌ی دوم: گسست نسلی در دریافت ارزش‌ها در نسل‌های گذشته

حال که مقوله‌های عمده‌ی تحقیق در مورد ارزش‌های جوانان مورد بررسی قرار گرفتند، در این بخش به ارزش‌های نسل بالاتر (بزرگسالان یا نسل پیشا جوانان) پرداخته می‌شود. مفاهیم و مقوله‌های به‌دست آمده در این بخش مطابق مرحله‌ی قبل ارزش‌های جوانان بررسی شدند. با توجه به مرحله‌ی کدگذاری باز و ایجاد مفاهیم، در مرحله دوم کدگذاری باز، دو یا چند مفهوم ترکیب شده و منجر به ایجاد مقوله می‌شود. براساس مفاهیم بالا ۷ مقوله‌ی عمده از ارزش‌های بزرگسالان به دست آمد که در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول شماره‌ی ۴: مقوله‌های عمده مربوط به درک و تفسیر ارزش‌های نسل گذشته

مفاهیم	مقوله‌ها
اعتقاد به قضا و قدر	مشیت‌گرایی
دیدن آشنایان، رفت‌وآمد با خویشاوندان، ازدواج فامیلی، اشتغال فامیلی	ضد فردیت‌گرایی
لزوم حفظ میراث‌های آباء و اجدادی، تلاش برای ماندگاری باورهای دینی، مخالفت با ورود ماهواره، عوض شدن فکر جوانان	سنت‌گرا و ارزش‌گرا
یاری رساندن به دیگران، مسؤول افراد دیگر بودن، وفاداری به جمع، متعهد بودن به انجام وظایف	مهرطلبی
حفظ ارزش‌های دینی، آموزش دینی افراد کم‌اعتقاد، یاد خدا، انجام واجبات دینی، برداشته شدن وسایل ضد دین.	همگرایی با ارزش‌های دینی
کاهش توجه دولت به مردم، کاهش احترام به بزرگ‌ترها، به گوش نبودن جوانان، رفتن به دانشگاه، افزایش دغدغه‌ها و گرفتاری‌ها	عدم رضایت
رادیو، ماهواره، اینترنت، تلویزیون	رسانه‌های جمعی

همان‌طور که در جدول فوق دیده می‌شود، در این مرحله هفت مقوله استخراج شده است. حال که مقوله‌های عمده‌ی تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند، در این بخش از نوشتار به مرحله‌ی بعدی کدگذاری، یعنی کدگذاری گزینشی پرداخته می‌شود. با توجه به مفاهیم به‌دست آمده از ارزش‌های نسل گذشته، ارزش‌های خود را به‌مثابه‌ی بازاندیشی معطوف به گذشته درک و تفسیر می‌کنند.

جدول شماره‌ی ۵: مقوله‌های عمده و مقوله هسته ارزش‌های بزرگسالان

ردیف	مقوله	مقوله هسته
۱	مشیت‌گرایی	
۲	رسانه‌های ارتباط جمعی	
۳	ضد فردیت‌گرایی	
۴	مهرطلبی	بازاندیشی معطوف به گذشته
۵	سنت‌گرایی	
۶	عدم رضایت از وضع موجود	
۷	تمایل به حفظ ارزش‌های سنتی	

با توجه به مقوله‌های عمده، می‌توان مقوله‌ی هسته این بخش، یعنی درک و تفسیر ارزش‌های بزرگسالان در قالب بازاندیشی معطوف به گذشته معرفی کرد. مقوله‌ی فوق بیانگر تحولات ایجاد شده در ارزش‌های بزرگسالان است. این مفهوم بیانگر نوعی احساس ناخرسندی از وضعیت ارزش‌های جوانان و تمایل به بازگشت به ارزش‌های اجتماعی سنتی است. بازاندیشی ارزشی معطوف به گذشته به‌عنوان احساس محوری و ارزیابی اساسی از ارزش‌ها است. شرایط و بسترهای ارزش‌های بزرگسالان عبارت‌اند از: فقدان آینده‌گرایی و رسانه‌ها. نقش و درک هرکدام از این عوامل و شرایط در بازاندیشی تعاملات روزمره بزرگسالان اهمیت دارد. با توجه به آنچه گفته شد، مقوله‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی تحقیق حاضر به شرح جدول زیر است.

جدول شماره‌ی ۶: مقوله‌های عمده‌ی کدگذاری شده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی و پیامدی

ردیف	مقوله‌های عمده	نوع مقوله
۱	فشار هنجاری سنت، رسانه‌های جمعی، فقدان آینده‌گرایی	شرایطی
۲	ناهم‌خوانی خانواده‌ها، مقایسه‌گرایی، رقابت‌جویی، محافظه‌گرایی، همگرایی با باورهای دینی، مهرطلبی، کاهش روابط خویشاوندگرایی	تعاملی
۳	دنیاگرایی، احساس نارضایتی، رفتار فراغتی، کاهش رفتارهای لذت‌خواهانه، مدرن‌گرایی، خوداتکایی، فردگرایی، ابراز ناخوشایندی از وضعیت موجود، حفظ ارزش‌های سنتی	پیامدی

با توجه به مقوله‌های عمده‌ی نهایی که در جدول بالا آمده است، می‌توان مقوله‌ی

ارزش‌های رهایی‌بخش را به‌عنوان نهایی‌ترین مقوله‌ی هسته انتخاب کرد؛ و پاسخ اصلی به سؤال محوری تحقیق یعنی بازسازی ارزش‌های بین نسلی در منطقه مورد مطالعه از رویکرد جوانان و بزرگسالان آن منطقه است. براساس این مقوله، افراد مورد مطالعه با درک و تفسیر تغییرات ایجاد شده در ارزش‌های خود در پی رهایی‌بخشی ارزشی هستند. در همین زمینه بزرگسالان به دنبال رهایی از ارزش‌های فراستی جوانان هستند؛ و از طرف دیگر جوانان نیز سعی در رهایی از ارزش‌های سخت و طاقت‌فرسای نسل گذشته دارند. جوانانی که هر روزه در معرض هجوم رسانه‌های ارتباط جمعی قرار دارند و به دنبال اشکال جدیدی از ارزش‌های سنتی گذشته‌ی خود گام برمی‌دارند.

نتیجه‌گیری

گسست نسلی و دگرگونی ارزش‌های بین نسلی از دید جوانان و بزرگسالان، تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط خاص بوده است. این شرایط در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: شرایط علی، شرایط بستری و شرایط مداخله‌گر. در این تحقیق شرایط علی عبارت‌اند از نفوذ رسانه‌های جمعی. شرایط مداخله‌گر نیز شامل رقابت‌جویی و مقایسه‌گرایی هستند. به‌علاوه فشار هنجارهای سنت در شرایط زمینه‌ای طبقه‌بندی می‌شود. شرایط مذکور به کلی و در امتداد با یکدیگر باعث شده‌اند پدیده‌ای به نام ارزش‌های رهایی‌بخش از دید جوانان و بزرگسالان جامعه مورد مطالعه، رخ دهد. افراد مورد مطالعه در برابر ارزش‌های یکدیگر استراتژی و تعامل خاصی انجام داده‌اند. تعامل مذکور در قالب پذیرش ارزش‌های نسل دیگر یا طرد ارزش‌های نسل دیگر دسته‌بندی شده است. ارزش‌های بین نسلی مذکور از دیدگاه جوانان مورد مطالعه به‌طرف ارزش‌های رفاه‌طلب حرکت می‌کنند و از طرف دیگر بزرگسالان ضمن پذیرش و ردّ برخی از ارزش‌های مدرن، به بازتولید و حفظ ارزش‌های سنت‌گرا و بومی می‌پردازند. گفتنی است که در میان دو نسل، شباهت‌های مفهومی نیز مشاهده شد که مهم‌ترین آن، عدم رضایت هر دو طیف نسلی از وضعیت موجود است. از این‌رو، برنامه‌ریزی و ارائه‌ی راه‌کارهای عملیاتی برای تقویت قشر متوسط جامعه، تنظیم راهبردی و بلند مدت نیازهای اساسی جوانان به‌ویژه نیازهای اقتصادی و رفاهی از جمله دغدغه‌ها و پیشنهادهایی است که مسئولان در تمام سطوح مدیریتی باید بدان اهتمام جدی داشته باشند تا از سوق یافتن تفاوت‌ها به سمت تعارض و رویگردانی، جلوگیری به‌عمل آید.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۶): *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ----- (۱۳۹۷): *رابطه‌ی بین نسلی در خانواده‌ی ایرانی*، تهران: انتشارات آگه.
- احمدی، سیدعباس؛ قره‌بیگی، مصیب؛ پورعلی‌اتی‌کنندی، سجاد (۱۳۹۵): «پدیدارشناسی هویت ملی در فضای سایبر، نمونه‌ی موردی: دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته جغرافیای سیاسی در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و خوارزمی»، *پژوهشنامه جغرافیایی سیاسی*، س ۱، ش ۴، صص ۴۰-۲۱.
- احمدیان، مجتبی؛ اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۲): «نگرش سنجی رابطه‌ی دولت و ملت در ایران (روش‌شناسی کیو)»، *فصلنامه‌ی سیاست‌های راهبردی و کلان*، س ۱، ش ۴، صص ۱۳۳-۱۰۷.
- اشتراس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۱): *مبانی پژوهش کیفی - فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳): *دییچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی*، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۸): *درسی درباره‌ی درس*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- توکل، محمد؛ قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۹۵): «تفاوت نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظریات مانهایم و بوردیو»، *نشریه‌ی نامه‌ی علوم اجتماعی* (دانشگاه تهران)، س ۱، ش ۲۷، صص ۱۲۰-۱۰۰.
- تیموری، کاوه (۱۳۹۷): *بررسی و مقایسه‌ی نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران*، رساله‌ی دکتری رشته‌ی علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جلیلی، هادی (۱۳۹۷): *تفاوت نسل‌ها پیش و پس از انقلاب اسلامی*، تهران: اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، معاونت پژوهشی وزارت ارشاد.
- حسینی، یعقوب؛ بهجتی‌اردکانی، بابک؛ رحمانی، سحر (۱۳۹۰): «شناسایی ذهنیت افراد نسبت به سیاست‌های خصوصی‌سازی در ایران (سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی) با استفاده از روش‌شناسی کیو»، *فصلنامه کاوش‌های مدیریت بازرگانی*، س ۳، ش ۶، صص ۸۰-۶۹.
- خالقی‌فر، مجید (۱۳۹۱): *بررسی ارزش‌های مادی/فرامادی دانشجویان دانشگاه تهران، عوامل مؤثر بر آن و روابط آن با برخی از نشانگان فرهنگی*، رساله دکتری رشته‌ی علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- خوشگویان‌فرد، علیرضا (۱۳۸۶): *روش‌شناسی کیو*، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- رحیمی، محمد (۱۳۹۰): *عوامل اجتماعی مؤثر بر تفاوت بین نسلی (مطالعه موردی والدین و فرزندان ۲۴-۲۰ ساله شهر خلخال در سال ۱۳۹۰)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رحیمی، محمد؛ آشفته‌تهرانی، امیر؛ حضرتی‌صومعه، زهرا (۱۳۹۰): «عوامل اجتماعی مؤثر بر تفاوت بین نسلی (مطالعه موردی شهر خلخال در سال ۱۳۹۰)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، دوره ۲، ش ۷، صص ۹۸-۷۹.
- ستار، آریتا (۱۳۸۸): *بررسی گست و پیوند نسلی از دیدگاه اجتماعی: کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲): *سبک زندگی*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- فلاحی شاه‌آباد، احمد (۱۳۹۳)؛ *بازسازی معنایی ارزش‌های بین‌نسلی (مورد مطالعه: شهر رودبار جنوب)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان.
- کشتی‌آرای، ناهید (۱۳۸۷)؛ *طراحی و اعتبار بخشی الگوی برنامه درسی تجربه شده در آموزش عالی مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی - فمینیستی*، پایان‌نامه دوره دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- کوزر، لوئیس (۱۳۹۳)؛ *زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷)؛ *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لاور، رابرت (۱۳۹۳)؛ *دیدگاه‌هایی درباره‌ی دگرگونی اجتماعی*، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: نشر دانشگاهی.
- مانهایم، کارل (۱۳۹۵)؛ *ایدئولوژی و اتوپیا*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سمت.
- مید، مارگارت (۱۳۹۴)؛ *فرهنگ و تعهد مطالعه در تفاوت نسل‌ها*، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و فهیمه سروش، تهران: انتشارات اداره کل فرهنگ و انتشارات اسلامی.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۵)؛ *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات سمت.
- یعقوبی، اسفندیار (۱۳۸۸)؛ *مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تغییر نگرش دو نسل (مادران - دختران) نسبت به ارزش‌های اجتماعی (مطالعه‌ای در شهر میاندوآب)*، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- Atton, C. (2004); *An Alternative Internet*, Edinburgh University Press.
- Coleman, S. (2005); "Blogs and the New Politics of listening", *The Political Quarterly*, 76(2): 273-280.
- Federman, M. (2003); *The Cultural Paradox of Global Village*, The McLuhan Program in Culture and Technology, http://www.utoronto.ca/mcluhan/article_culturalparadox.htm.
- Peris, R., Gimeno, M. A., Pinazo, D., Ortet, G., Carrero, V. , Sanchiz, M., & Ibanez, I. (2002); "Online chat room: Virtual space of interaction for socially oriented people", *Cyber-Psychology & Behavior*, 5(3): 43-51.
- Reid, E. M. (2009); *Cultural Formations in Text-Based Virtual Realities*, A thesis for the degree of Master of Arts, Cultural Studies Program Department of English University of Melbourne.
- Shaw, D. B. (2008); *Techno-culture: The key concepts*, New York: Oxford, Berg.
- Stone, L. D., & Pennebaker, J. w. (2014); "Trauma in real time: Talking and avoiding online conversations about the death of Princess Diana", *Basic and Applied Social Psychology*, 24(4): 173-183.
- Suler, J. (2008); *The Psychology of Cyberspace*. Department of Psychology Science and Technology Center Rider University, <http://users.rider.edu/~suler/psycyber/psycyber.htm>.
- Ten Klooster, P. M., Visser, M., & de Jong, M. D. (2008); "Comparing two image research instruments: The Q-sort method versus the Likert attitude questionnaire", *Food Quality and Preference*, 19(2): 511-518.
- Walther, J. B. (2014); "Computer-mediated communication: Impersonal, interpersonal, and hyper-personal interaction", *Communication Research*, 14(1):3-13.

